

**مشارك أنوار اليقين في حقائق
أسرار أمير المؤمنين عليه السلام**

تأليف

الحافظ رجب البرسي

ترجمه

سيد محمد حسين حسيني



سرشناسه	: حافظ برسی، رجب‌بن محمد، قرن ۴۸ ق.
عنوان قراردادی	: مشارق أنوار الیقین فی حقائق کشف أسرار امیرالمؤمنین، فارسی-عربی
عنوان و نام پدیدآور	: مشارق أنوار الیقین فی حقائق أسرار امیرالمؤمنین علیه‌السلام/ تألیف الحافظ رجب البرسی؛ ترجمه سیدمحمدحسین حسینی.
مشخصات نشر	: تهران: فرهنگ رسا، ۱۳۹۱.
مشخصات فیزیکی	: ۵۱۲ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۱۷-۵-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق.
موضوع	: علی بن ابی طالب (ع)، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. - خطبه‌ها.
موضوع	: امامت
موضوع	: ولایت
شناسه افزوده	: حسینی، سیدمحمدحسین، ۱۳۶۱ - مترجم.
رده بندی کنگره	: ۵۳۰.۴۱۳۲۹۱ ج ۳۷/۳۴ BP
رده بندی دیویی	: ۲۹۷/۵۱
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۷۱۵۹۹۷



- نام کتاب: مشارق أنوار الیقین فی حقائق أسرار امیرالمؤمنین علیه السلام
- تألیف: الحافظ رجب البرسی
- ترجمه: سید محمدحسین حسینی
- نوبت چاپ: اول: ۱۳۹۱
- تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۵۰۰۰۰ ریال
- شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۱۹۱۷-۵-۸

کلیه حقوق این اثر برای دیبای علم محفوظ است.

آدرس: تهران: خیابان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین جنوبی،
بن‌بست نادری، پلاک ۳، طبقه همکف
تلفن: ۶۶۹۷۱۳۴۴ - ۶۶۴۱۳۵۶۴

تقدیم

از آنجا که رنج و زحمت چندین و چند ساله‌ام را مادرم با تحمل سختی‌ها به خود هموار نمود و به لطف و یاری خداوند توانست در مکتب سرور عالم علی (ع) مرا پرورش داده و بزرگ نماید لذا بر خود واجب می‌دانم که ترجمه‌ی این کتاب را به عنوان تحفه‌ای ناقابل از نظر مادی و گران قدر و باارزش و پربرکت از نظر معنوی و نیز به عنوان تشکر از زحمات بی‌دریغش به او تقدیم نمایم.

www.ketabonline.ir

فهرست مطالب

۹.....	مقدمه‌ی مترجم.....
۱۱.....	شرح حال مؤلف.....
۱۹.....	تألیفات ارزشمند رجب‌برسی.....
۱۹.....	شعر ناب و خالص او.....
۲۳.....	اقوال علما درباره‌ی رجب برسی.....
۲۵.....	مقدمه‌ی مؤلف.....
۲۹.....	عاجز ماندن فهم از ادراک مرتبه امیرالمؤمنین(ع).....
۲۳.....	اسرار علم حروف.....
۴۷.....	باطن فاتحه‌ی نماز.....
۴۷.....	خواص سوره‌ی فاتحه.....
۴۹.....	وجود مطلق و مقید.....
۵۱.....	معنی واحد و الف.....
۵۳.....	حقیقت نقطه که همانا او فیض اول است.....
۶۱.....	صفات الهیه.....
۶۱.....	پیامبران، مظاهر اسماء خدا.....
۶۳.....	اسرار حروف اسم پیامبر(ص).....
۶۵.....	باطن اسماء الهی.....
۶۵.....	پدید آمدن حروف از الف.....
۶۷.....	معانی قرآن در چهار حرف.....
۶۹.....	شرف واژه‌ی «هو» و دلالت‌هایش.....
۷۱.....	مراتب حروف جلال.....
۷۱.....	حرف باء، ظهور وجود و نقطه، تشخیص بنده و خداست.....
۷۳.....	معنی اُحد و واحد.....
۷۵.....	اولین خلق، نور محمد و علی است.....
۸۱.....	جهان‌های ماوراء حجاب.....
۸۵.....	جایگاه ولی و معانی ولایت.....
۸۹.....	جایگاه‌های والای خاندان.....
۹۹.....	برکات آل محمد بر خلایق.....
۱۰۳.....	اثر حبّ و بغض علی(ع).....

۱۰۹.....	اقرار امت‌ها به فضل علی(ع).....
۱۱۲.....	علی(ع)، امام مبین است.....
۱۲۹.....	علی(ع)، میزان روز قیامت.....
۱۳۵.....	اتحاد نور و معنای آن.....
۱۳۵.....	اثر حبّ علی و پیروی او.....
۱۳۹.....	موالات علی و عدم درک ذات او.....
۱۴۵.....	علم آل محمد بر غیب.....
۱۵۷.....	فصل دوم: اسرار امیرالمؤمنین(ع).....
۱۷۹.....	فصل سوم: در اسرار فاطمه زهرا (علیهاالسلام).....
۱۸۱.....	فصل چهارم: اسرار امام حسن(ع).....
۱۸۵.....	فصل پنجم: در اسرار حسین بن علی(ع).....
۱۸۷.....	فصل ششم: در اسرار علی بن الحسین(ع).....
۱۸۹.....	فصل هفتم: در اسرار ابی جعفر الطاهر(ع).....
۱۹۳.....	فصل هشتم: در اسرار امام صادق(ع).....
۱۹۹.....	فصل نهم: در اسرار ابی الحسن موسی کاظم(ع).....
۲۰۳.....	فصل دهم: در اسرار ابی الحسن علی بن موسی(ع).....
۲۰۹.....	فصل یازدهم: در اسرار ابوجعفر محمد بن علی الجواد(ع).....
۲۱۱.....	فصل دوازدهم: در اسرار ابی الحسن الهادی(ع).....
۲۱۲.....	فصل سیزدهم: در اسرار ابی محمد حسن العسکری(ع).....
۲۱۵.....	فصل چهاردهم: در اسرار ابی‌صالح المهدی(عج).....
۲۲۱.....	نشانه‌هایی در فضل آل محمد علیهم‌السلام.....
۲۲۹.....	سرّ عدد ۱۲.....
۲۳۱.....	مناقب دلاور کرّار.....
۲۳۷.....	عدم ادراک حقیقت علی(ع).....
۲۳۹.....	علی را غیر از پیامبر کسی نشناخت.....
۲۴۳.....	حقیقت امام و امامت.....
۲۵۹.....	عالم آل محمد قبل از خلق.....
۲۶۱.....	سؤال در مورد علی(ع)، در قبر.....
۲۶۳.....	علی(ع)، کتاب مبین است.....
۲۶۳.....	اگر علی نبود، بهشت را خلق نمی‌کردم.....
۲۶۵.....	علی، آلف غیب است.....
۲۶۵.....	علی(ع)، سرّ آغاز سوره‌ها.....

۲۶۷	 امام، احاطه‌کننده‌ی هستی
۲۶۹	 علی(ع) فاتح است
۲۷۱	 وصف علی(ع) در قرآن بزرگتر از وصف انبیاست
۲۷۵	 مقام علی(ع) نزد ملائکه
۲۷۵	 آل محمد(ص)، صفات خدای دستان
۲۷۷	 پیشگویی کردن از علی(ع)
۲۸۱	 جدایی امت به ۷۲
۲۸۵	 اختلاف به علی(ع) نه به پیامبر(ص)
۲۸۵	 عقیده‌ی ما در مذهب امامیه
۲۸۷	 معنی امامت و جنس آن
۲۹۵	 علم امام به گذشته و آینده
۲۹۷	 عرضه‌ی اعمال به آل محمد
۲۹۹	 امام با خلق است و از آنها پنهان نمی‌شود
۳۰۵	 حضور آل محمد نزد هر مرده‌ای
۳۰۹	 قدرت تکوینی آل محمد
۳۱۱	 دنیا ملک آل محمد (علیهم السلام) است
۳۱۵	 ولایت مطلق و مقید
۳۱۹	 علی مالک روز قیامت است
۳۲۳	 اسم علی و محمد بر همه چیز است
۳۲۷	 اثر کتمان حقایق توسط علما
۳۲۹	 حدیث طین
۳۳۷	 آل محمد، اسم اعظم هستند
۳۴۳	 اسرار سوره‌ی فاتحه
۳۴۳	 به واسطه‌ی علی(ع) کائنات شکل گرفت
۳۴۷	 شناخت امام به نورانیت
۳۵۳	 اسرار علی(ع)
۳۵۳	 کُنه و ذات علی(ع)
۳۵۵	 خطبه‌ی افتخار
۳۵۹	 خطبه‌ی تطنجیه
۳۶۹	 آثار علی در هستی
۳۷۳	 کلام امام، امام کلام
۳۷۵	 اثر اسم علی(ع)

۳۷۷	فضایلی برای آل محمد
۳۷۹	صلوات بر آل محمد علیهم السلام و اثر آن
۳۸۷	سبب پنهان کردن علم ربانی توسط پیامبر(ص)
۳۹۱	روز جزا برای علی(ع) است
۳۹۳	مناقبی برای امیر خلق(ع)
۳۹۵	اگر آل محمد چیزی را بخواهند، خدای تعالی نیز آن را بخواهد
۳۹۵	علی، صاحب بهشت و تقسیم کننده میزان
۳۹۹	نیازمندی خلائق به آل محمد (علیهم السلام)
۴۰۵	آل محمد علیهم السلام، حاکمانندگان هستند
۴۰۵	اقسام اولیاء
۴۰۷	معنی حساب
۴۰۹	مناقب حیدر کرآر به زبان احمد مختار
۴۰۹	کلید بهشت به دست علی(ع) است
۴۱۱	هر که خود را شناخت، خدایش را شناخت
۴۱۵	معنی ربّ در قرآن
۴۱۷	مناقب آل محمد علیهم السلام
۴۱۹	معنی حرکت و سکون برای خدا
۴۲۱	معنی ربّ در قرآن
۴۲۳	اثر منکر فضیلت آل محمد علیهم السلام
۴۲۵	صفات خدای تعالی
۴۲۷	اختلاف مردم در امام
۴۳۱	سرّ آل محمد سخت و دشوار و پیچیده است
۴۳۳	لیس کمثله شیء
۴۳۹	جدایی امت‌ها بعد از پیامبران
۴۴۳	تعداد فرقه‌های اسلامی
۴۴۵	فرقه‌های اسلامی
۴۵۳	اشتباهات عامیانه در مورد انبیاء علیهم السلام
۴۷۹	علم کتاب نزد آل محمد علیهم السلام است
۴۸۳	خاتمه

مقدمه‌ی مترجم

کتاب حاضر ترجمه‌ی «مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین» اثر شیخ حافظ رجب الیرسی است که به زبان عربی تألیف شده است و چون استفاده از آن برای همگان مقدور نبود، بر آن شدم که آن را به فارسی ترجمه کرده تا همه از آن بهره‌مند گردند. و چون احادیث و خطبه‌های زیبایی در این کتاب وجود داشت فلذا ترجمه در کنار متن عربی کتاب قرار داده شد. حتی المقدور سعی شده که ترجمه، ما را از متن کتاب دور نکند.

در این کتاب مطالبی از اسرار علم حروف بیان شده است که فهم آن نیاز به دقت و تأمل فراوان دارد و قطعاً مطالبی از این کتاب به لحاظ علم عدد و حروف و برخی مسائل و رخدادهای تاریخی و نیز پاره‌ای از خطبه‌های ابواب شده توسط امیرالبیان امیرالمؤمنین (علیه السلام) نیاز به شرح و بسط مفصلی دارد که از عهده‌ی علمی مترجم خارج می‌باشد و تنها اندکی از مطالب تاریخی و حدیثی در پاورقی توضیح داده شده است.

اشعار بسیاری در آخر کتاب و نیز در بخش خاتمه کتاب ذکر شده است که ما به علت کثرت آن، از ترجمه‌ی آن خودداری نمودیم اما متن عربی اشعار را در آخر کتاب برای علاقه‌مندان باقی گذاشتیم. اشعار درون متن کتاب ترجمه شده است فقط چند قطعه به خاطر کثرت ابیات آن، مورد ترجمه واقع نشد و لذا به آخر کتاب منتقل گردید و نیز حدود یک صفحه از کتاب به دلیل در بر داشتن مطالب پیچیده و مبهم در باب علم حروف و عدد قابل ترجمه نبود و لذا متن عربی آن به آخر کتاب بعد از اشعار منتقل گردید.

برخی از خطبه‌های این کتاب در کتاب‌هایی مثل منبع الأنوار: سیدحیدر آملی، علی والموالم: عبدالعلی گویا، اثبات الهداة: شیخ حر عاملی و نواب الدهور فی علان الظهور: حسین میرجهانی طباطبائی وارد شده است که عزیزان علاقه‌مند می‌توانند برای تکمیل معلومات خود علاوه بر مطالب کتاب «مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیرالمؤمنین» به این کتاب‌ها نیز مراجعه نمایند. به امید اینکه کتاب حاضر مورد توجه امیرالمؤمنین (ع) قرار گیرد و معرفت ما را نسبت به شأن و جایگاه امام و امامت بیشتر گرداند. ان شاء الله

لازم می‌دانم از اساتید و دوستان خودم آقایان مهدی فصاحت که در ترجمه‌ی این کتاب صمیمانه بذل لطف نموده و نیز معجبتی قادری نسب که کتاب را از نجف اشرف خریداری و در اختیار اینجانب قرار داد و اسباب خیر گردید، تشکر و قدردانی کنم.

محرم الحرام ۱۴۲۳

سید محمد حسین حسینی

ترجمة المصنف

كتاب مشارق أنوار اليقين للحافظ رجب البرسي من الكتب التي جمعت مناقب وأسرار آل محمد صلوات المصلين عليهم ما طلع نجم، بل لنا أن نقول أنه تفرد في نقل بعض المناقب والأسرار، مما واجهتنا مشكلة في تخرج تلك المناقب.

و مؤلف هذا الكتاب من الحفاظ المشهورين بالعلم والتقوي والعرفان، وشدة ولائه لآل محمد عليهم السلام، وإبراز ما أخفوه عن بعض شيعتهم، حتي رماه من لاثقيق له ولا اطلاع له علي جل روايات أهل البيت عليهم السلام بالغلو وسوف تعرف من كلام العلامة الخبير الأميني حقيقة الحال: قال العلامة الأميني: الشيخ رضي الدين رجب بن محمد بن رجب البرسي الحلبي المعروف بالحافظ، من عرفاء علماء الإمامية، فقهاؤها المشار كين في العلوم، علي فضله الواضح في فن الحديث، و تقدمه في الأدب و قرص الشعر وإجادته، و تضلعه في علم الحروف وأسرارها واستخراج فوائدها، و بذلك كله تجد كتبه طافحة بالتحقيق ودقة النظر، و له في العرفان والحروف مسالك خاصة، كما أن له في ولاء أئمة الدين عليهم السلام آراء و نظريات لا يرتضيها لفيف من الناس، و لذلك رموه بالغلو والارتفاع، غير أن الحق أن جميع ما يشبهه المترجم لهم عليهم السلام من الشؤون هي دون مرتبة الغلو و غير درجة النبوة، و قد جاء عن مولانا أمير المؤمنين عليه السلام قوله: إياكم و الغلو فينا، قولوا: إنا عبيد مريوبون. و قولوا في فضلنا ما شئتم وقال الإمام الصادق عليه السلام: اجعلوا لنا ربا نؤوب إليه و قال عليه السلام: اجعلونا مخلوقين و قولوا فينا ما شئتم فلن تبلغوا.

وأنني لنا البلاغ مدية ما منحهم المولي سبحانه من فضائل و مآثر؟ و أنني لنا الوقوف علي غاية ما شرفهم الله به من ملكات فاضلة، و نفسيات نفيسة، و روحيات قدسية، و خلائق كريمة، و مكارم و محامد؟ فمن ذا الذي يبلغ معرفة الإمام؟ أو يمكنه اختياره؟

شرح حال مؤلف

کتاب مشارق انوار الیقین تألیف حافظ رجب البرسی از کتاب‌هایی است که مناقب و اسرار آل محمد (ص) را جمع آوری کرده است. در این باب ستاره‌ای طلوع نکرده است بلکه به عهده‌ی ماست که بگوییم همانا مؤلف در نقل بعضی مناقب و اسرار از آن چه که ما را در استنباط آن‌ها با مشکل مواجه می‌کند، بی‌نظر بوده است. مؤلف این کتاب از حافظان مشهور به علم و تقوا و عرفان و علاقه شدید به آل محمد و ابرازکننده‌ی آنچه که برخی شیعیان آن را مخفی می‌داشته‌اند، می‌باشد. تا این که کسانی که در مورد بخش اعظم روایات اهل بیت، تحقیق و اطلاعی نداشتند، او را به غلو متهم کرده‌اند. حقیقت حال رجب برسی را از کلام علامه امینی می‌توان شناخت آنجا که علامه امینی می‌گوید: شیخ رضی الدین رجب بن محمد بن رجب البرسی الحلّی معروف به حافظ، از عرفا و علما و فقهای امامیه می‌باشد که در انواع علوم دستی داشتند. که بواسطه فضل روشن او در فن حدیث و تقدّمش در ادب و مدح به وسیله شعر و نیکو سرودن آن و ببحرش در علم حروف و اسرار آن و استخراج فوائدش و به خاطر همه‌ی اینها کتاب‌هایش را لبریز از تحقیق و دقت نظر می‌یابی. در عرفان و علم حروف، روش‌های خاصی برای مؤلف وجود دارد چنان که در ولایت ائمه دین آراء و نظریاتی دارد که عده‌ای از مردم آن را نمی‌پسندند و به همین سبب او را به غلو متهم ساختند، به جز این که حق این است که تمام آنچه را مؤلف برای ائمه اثبات می‌کند، از شئونی است که پایین‌تر از مرتبه‌ی غلو و درجه‌ی نبوت است و چنانچه در فرمایش مولای ما امیرالمؤمنین (ع) آمده که «از غلو درباره‌ی ما برحذر باشید. بگویید که همانا ما ائمه، بندگان هستیم که خدا را می‌پرستیم پس آن گاه هر چه خواستید در مورد فضیلت ما بگویید.»^۱ امام صادق (ع) فرمود: «برای ما خدایی قرار دهید که به سوی او بر می‌گردیم.» و آن حضرت فرمود: «ما را مخلوقین خدا قرار دهید و آن گاه هر چه خواستید درباره‌ی فضایل ما بگویید.»^۲

و چگونه بر ما امکان دارد کفایت به غایت آن چه خدای سبحان از فضایل و معاصی، ارزانی داشته است؟ و آگاهی بر نهایت آن چه خداوند از ملکات فاضله، نفیسات نفیسه، روحیات قدسیه، خلق و خواهی کریمه، مکارم و محامدی که ایشان را به آن شرافت داده است، چگونه برای ما ممکن است؟ چه کسی مسئول ابلاغ معرفت امام است و یا برگزیدن او برایش ممکن است؟

۱. شیخ صدوق، خصال

۲. بصائر الدرجات، صفار.

هيئات هيئات ضلت العقول، و تاهت الحلوم، و حارت الأبواب، و خشت العيون، و تصاغرت العظماء، و تحيرت الحكماء، و تقاصرت العلماء، و حصرت الخطباء، و جهلت الألباء، و كلت الشعراء، و عجزت الأدباء، و عيبت البلغاء عن وصف شأن من شأنه، و فضيلة من فضائله، و أقبرت بالعجز و التقصير، و كيف يوصف بكله؟ أو ينعت بكنهه؟ أو يفهم شيء من أمره؟ أو يوجد من يقوم مقامه و ينفي غناه؟ لا. كيف؟ و أني؟ فهو بحيث النجم من يد المتناولين و وصف الواصفين، فأين الاختيار من هذا؟ و أين العقول عن هذا؟ و أين يوجد مثل هذا؟

و لذلك تجد كثيرا من علمائنا المحققين في المعرفة بالأسرار يشبثون لأئمة الهدي صلوات الله عليهم كل هاتيك الشؤون و غيرها مما لا يتحمله غيرهم، و كان في علماء قم من يرمي بالغلو كل من روي شيئا من تكلم الأسرار حتى قال قائلهم: إن أول مراتب الغلو نفي السهر عن النبي صلي الله عليه و آله.

إلي أن جاء بعدهم المحققون و عرفوا الحقيقة فلم يقيموا لكثير من تلكم التضعيفات وزنا، و هذه بلية مني بها كثيرون من أهل الحقائق بالحرمان و منهم المترجم، و لم تزل الفتان علي طرفي نقيض، و قد تقوم الحرب بينهما علي أشدها، و الصلح خير، و فذلكم المقام أن النفوس تتفاوت حسب جبلاتها و استعداداتها في تلقي الحقائق الراهنة، فمنها ما تبهظ المعضلات و الأسرار، و منها ما ينسبط لها فييسط إليها ذراعا و يمد لها باعا، و بطبع الحال أن الفئة الأولى لا يسعها الرضوخ لما لا يعلمون، كما أن الآخرين لا تبيح لهم المعرفة أن يذروا ما حققوه في مدحرة البطلان، فهناك تشور المنافرة، و تحتدم الضغائن، و نحن نقدر للفريقين مسعاهم لما يعلم من نواياهم الحسنة و سلوكهم جدد السبيل في طلب الحق و نقول: علي المرء أن يسعى بمقدار جهده و ليس عليه أن يكون موقفا ألا إن الناس لمعادن كمعادن الذهب و الفضة و قد تواتر عن أئمة أهل البيت عليهم السلام: أن أمرنا أو حديثنا صعب مستصعب لا يتحمله إلا نبي مرسل أو ملك مقرب، أو مؤمن امتحن الله قلبه بالإيمان. إذن فلا نحوي و قعيه في علماء الدين و لا نمس كرامة العارفين، و لا ننقم من أحد عدم بلوغه إلي مرتبة من هو أرقى منه، إذ لا يكلف الله نفسا إلا وسعها.

هیئات، هیئات که عقل‌ها گمراه و بردباری‌ها، سرگردان و مغزها پر حرارت و چشم‌ها خیره شد و بزرگان کوچک شدند و حکیمان در حیرت ماندند و بردباران اظهار کوتاهی نمودند و خطیبان بازماندند و متفکران نادان شدند و شعرا به لکنت زبان افتادند و ادیبان عاجز ماندند و اهل بلاغت ناتوان شدند از وصف مرتبه‌ای از مراتب او (امام) و فضیلتی از فضایل او و به عجز و کوتاهی خود اقرار نمودند. پس چگونه به تمامی فضایل و یا به ذاتش وصف می‌شود؟

و چگونه چیزی از امر او فهمیده می‌شود؟ و یا کسی پیدا می‌شود که مقامش را به پا دارد و بی-نیازی او را کفایت کند؟ نه چطور، چگونه؟ پس او آن چنان که ستاره‌ای دور از دسترس است و مورد وصف توصیف کنندگان می‌باشد پس اختیار از این کجا و عقل‌ها درباره‌ی این کجاست؟ و کجا مانند این یافت می‌شود.^۳ و به همین دلیل تعداد زیادی از علمای ما را در حالی که مشغول تحقیق در شناخت اسرار هستند، می‌بینی و برای انمی هدی همه‌ی این شئون و غیر این‌ها از آن چه این شئون را غیر از انمه، کسی تحمل آن را ندارد، اثبات می‌کند و در بین علمای قم فردی بود که هر کسی را که درباره‌ی اسرار، چیزی روایت می‌کرد، متهم به غلو می‌ساختند تا آنجا که یکی از آن‌ها گفته است: همانا اولین مرتبه‌ی غلو، نفی سهر از پیامبر (ص) است. تا این که بعد از این گروه، محققینی آمدند و حقیقت را شناختند و اهمیت چندانی به بسیاری از این تصنیفات ندادند و این آزمایشی است که تعداد زیادی از اهل تحقیق و عرفان که مؤلف نیز جزء آن‌هاست، به آن دچار شدند و پیوسته دو گروه با هم از دو طرف در تناقض هستند که بین این دو گروه جنگی شدید بر پا گردیده درحالی که صلح بهتر می‌باشد و خلاصه این که همانا نفوس، بر حسب طبیعت و استعدادشان در دریافت حقایق ثابت و به امانت نهاده شده، متفاوتند. و آن چه معضلات و اسرار بر او گران و دشوار شد، از آن نمونه است و نیز آن چه از حقایق که باز شد و به سوی آن دست دراز کرد و به اندازه‌ی فاصله‌ی دو دست برایش گسترده شد و به هر حال همانا گروه اول در پذیرش آنچه که نمی‌دانند، که شش نمی‌کنند همان طور که مابقی که معرفت بر آنان مباح نشده که آنچه را محقق ساخته اند در طرد و بطلان، پخش کنند پس در آنجا، آنان که نفرت دارند، هجوم آوردند و کینه داران خشمگین شدند و ما سعی دو گروه را می‌سنجیم آن گاه که از فکرشان، خیر را دریافتیم و روش آن‌ها را در راه طلب حق دیدیم و می‌گوییم: سر انسان واجب است به مقدار کوشش و تلاش، سعی کند و نباید ساکن باشد. آگاه باش که همانا مردم همانند معادنی از طلا و نقره‌اند.^۴ و به تواتر از انمه روایت شده که «همانا امر ما دشوار و پیچیده است که غیر از پیامبر مرسل یا فرشته‌ی مقرب و یا مؤمنی که خداوند قلبش را به ایمان امتحان کرده است، آن را تحمل نمی‌کند.»^۵ بنابراین از علمای دین رویدادی را نمی‌گیریم و از عارفین، کرامتی را لمس نمی‌کنیم و کسی را به خاطر نرسیدن به مرتبه‌ی بالاتر از خود، سرزنش نمی‌کنیم که همانا (خداوند نفسی را تکلیف نمی‌کند، مگر به اندازه‌ی توانایی اش).^۶

۳. اصول کافی: ج ۱/ ص ۹۹.

۴. بصائر الدرجات: ص ۶. اصول کافی: ج ۱/ ص ۹۹.

۵. اصول کافی: ج ۱/ ص ۲۱۶.

۶. بقره: ۲۸۶.

و قال مولانا أمير المؤمنين عليه السلام: لو جلست أحدثكم ما سمعت من فم أبي القاسم صلي الله عليه وآله لخرجتم من عندي و أنتم تقولون: إن عليا من أكذب الكاذبين.
و قال إمامنا السيد السجاد عليه السلام: لو علم أبوذر ما في قلب سلمان لقتله، و لقد آخي رسول الله صلي الله عليه وآله بينهما فما ظنكم بسائر الخلق (و كلا وعد الله الحسنين) و (فضل الله المجاهدين على القاعدين أجرا عظيما) و إلي هذا يشير سيدنا الإمام السجاد زين العابدين عليه السلام بقوله:

إنني لا أكتف من علمي جواهره	كيلا يري الحق ذو جهل فيفتتنا
وقد تقدم في هذا أبرحسن	إلي الحسين و أوصي قبله الحسن
فرب جواهر علم لو أنبج به	لقليل لي: أنت ممن يعبد الوثنا
ولا يستحل رجال ما لمون دني	يرون أقبح ما يأتونه حسنا

ولسيدنا الأمين في أعيان السبعة (٣٦: ١٩٦-٢٠٥) في ترجمة الرجل كلمات لا تخرج عن حدود ما ذكرناه.

ومما نقم عليه به اعتماده علي علم الحروف والأعداد الذي لا تتم به برهنة و لا تقوم به حجة، و نحن و إن وافقناه علي ذلك إلا أن للمترجم له و من هذا حفوه من العلماء كابن شهر آشوب و من بعده عذرا في سرد هاتيك المسائل فإنها أشبه شيء بالجدل تجاه من ارتكن إلي أمثالها في أبواب أخرى من علماء الحروف من العامة كقول العبيدي المالكي في عمدة الحقيق ص ١٥٥: قال بعض علماء الحروف: يؤخذ دوام ناموس آل الصديق و قيام عزته إلي انتهاء الدنيا من سر قوله تعالي: (في ذريتي)